

هراس اجتماعی، سبکهای والدگری و کمال‌گرایی

Social Phobia, Parenting Styles, and Perfectionism

Shabnam Bitaraf
MA in Psychology

Mohammad R. Shaeeri, PhD
Shahed University

دکتر محمدرضا شعیری
استادیار دانشگاه شاهد

شب‌نم بیطرف
کارشناس ارشد روان‌شناسی

Mansour Hakim Javadi, PhD
Guilan University

دکتر منصور حکیم جوادی
استادیار دانشگاه گیلان

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش کمال‌گرایی و سبکهای والدگری در تبیین هراس اجتماعی دانشجویان پرداخت. نمونه‌ای از ۳۹۶ دانشجو (۲۱۵ دختر و ۱۸۱ پسر) از دانشگاه گیلان به پرسشنامه سبکهای والدگری بامریند (۱۹۷۳)، مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی فراست (فراست، مارتن، لاهارت و روزنبلات، ۱۹۹۰) و فهرست هراس اجتماعی (کانر و دیگران، ۲۰۰۰) پاسخ دادند. یافته‌ها براساس همبستگی نشان دادند که هراس اجتماعی با سبک والدگری مستبدانه و با دو بعد از کمال‌گرایی شامل نگرانی درباره اشتباهها و شک درباره اعمال، همبستگی مثبت دارد، در حالی که با سبک والدگری مقتدرانه و بعد انتظارهای والدینی (از ابعاد کامل‌گرایی) همبستگی منفی معنادار نشان می‌دهد. نتایج براساس تعامل بین پیامدهای تربیتی والدگری و ویژگیهای شخصیتی والدین بر سلامت روانی کودکان تفسیر شدند.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌های والدگری، کمال‌گرایی، هراس اجتماعی.

Abstract

This research explored the role of perfectionism and parenting styles in explaining students' social phobia. A sample of 396 students (215 females and 181 males) from Guilan University responded to Baumrind's Parenting Styles Questionnaire (1973), Frost Multidimensional Perfectionism Scale (Frost, Marten, Lahart, & Rosenblate, 1990), and the Social Phobia Inventory (Connor, Davidson, Churchill et al., 2000). The findings based on Pearson correlation showed that social phobia was positively correlated with authoritarian parenting style and with two dimensions of perfectionism including "concern over mistakes" and "doubt about actions". Social phobia was negatively correlated with authoritative parenting style and parental expectations (a dimension of perfectionism). Implications are discussed in terms of interactions of parenting educational consequences and parents' personality characteristics on children's mental health.

Key words: parenting styles, perfectionism, social phobia.

received: 30 June 2009

accepted: 19 Sep 2010

دریافت: ۸۸/۴/۹

پدیرش: ۸۹/۶/۲۸
www.SID.ir

Contact information: shbitaraf@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی است.

مقدمه

سبکهای تربیتی والدین را می‌توان به عنوان منظومه‌ای از بازخوردهای آنها نسبت به کودک دانست که در مجموع، یک جو هیجانی را در رفتارهای ابرازی والدین ایجاد می‌کنند (دسجاردینز، زلنسکی و کپلان، ۲۰۰۸). پژوهشها نشان داده‌اند که به کارگیری سبکهای تربیتی مناسب با سلامت کودکان و مهار والدینی با عدم سلامت کودکان در ارتباط است (آردوندو، الدر، آیالا، کمپبل، باکرو و دورکسن، ۲۰۰۶). همچنین سبکهای تربیتی در شکل‌گیری شخصیت کودک مهم هستند (رای، کومار و کومار، ۲۰۰۹) که نه تنها در مورد تحول بهنجار بلکه در شکل‌گیری مشکلات بالینی نیز نباید نادیده انگاشته شوند (بندلو، تورنتی، ودکیند، بروکس، هاجاک و روتر، ۲۰۰۴).

یکی از شایعترین مشکلات بالینی در جوانان و نوجوانان، اختلالهای اضطرابی هستند که با اضطراب کودکی پیوند خورده‌اند (پینکاس، آبیبرگ و چوات، ۲۰۰۵). در الگوهای نظری نیز بر اهمیت تأثیر سبک تربیتی بر تحول، تداوم و تغییر میزان اضطراب کودکی تأکید شده است (مکلود، وود و ویز، ۲۰۰۷). از آنجا که اختلالهای اضطرابی شدیداً به عملکرد روزانه افراد و خانواده‌ها آسیب می‌رسانند (گینسبرگ و اشلاسبرگ، ۲۰۰۲)، بررسی آنها حائز اهمیت است.

برخی از بررسیها نشان داده‌اند که بزرگسالان با اختلالهای اضطرابی، والدین خود را طردکننده^۱ یا فزون-حمایتگر^۲ دانسته‌اند. این ویژگیها به تنهایی و یا توأم با یکدیگر، می‌توانند به ایجاد مشکلات در تعاملهای بین فردی و موقعیتهای اجتماعی، منجر شوند. فزون حمایتگری والدین ممکن است تحول خودپیروی^۳ و رقابت اجتماعی فرزندان را محدود کند؛ طرد و فزون حمایتگری می‌توانند موجب یک نارساکنشی^۴ در رابطه والد-کودک شوند و اضطراب را در پی داشته باشند؛ افزون بر آن، فزون-حمایتگری ممکن است فرزندان را از فعالیت در موقعیتهای اجتماعی بازدارد و فرصتهای یادگیری مهارتهای اجتماعی را محدود کند (لیب و دیگران، ۲۰۰۷). گینسبرگ و اشلاسبرگ (۲۰۰۲) نیز در بررسی خود نشان دادند که

سطوح بالای فزون حمایتگری با سطوح بالای اضطراب در فرزندان همراه است و نوجوانان مضطرب بیش از نوجوانان بدون اضطراب، والدین خود را فزون حمایتگر معرفی می‌کنند. تربیت فزون حمایتگرانه، به جای ایجاد احساس ایمنی در کودکان، آنها را نسبت به وجود خطرهای هشیار می‌کند و این باور را در آنان به وجود می‌آورد که آسیب‌پذیر هستند و در نتیجه هر امر اجتماعی برای آنها تهدیدآمیز جلوه‌گر می‌شود (گالاگر و کارت‌رایت - هاتن، ۲۰۰۸؛ گینسبرگ و اشلاسبرگ، ۲۰۰۲). به عقیده آبلارد و پارکر (۱۹۹۷) نیز فرزندان والدین با انتظار بالا، خود را دفاعی، مضطرب، تغییرپذیر و از نظر اجتماعی، منزوی توصیف می‌کنند؛ مشخصه‌هایی که ممکن است منجر به مشکلات هیجانی و اجتماعی شوند. برخلاف والدینی که بیشتر از تنبیه برای مهار رفتار فرزندانشان استفاده می‌کنند، والدینی که از سبک مقتدرانه سود می‌جویند، فرزندان متکی به خود، آرام و امیدوار و بدون وجود آسیب در هویت شخصی بار می‌آورند (بامریند، ۱۹۹۱). به طور کلی مهار والدینی، فزون حمایتگری و عدم پذیرش خودپیروی، احتمال بروز اختلالهای اضطرابی را در جوانان افزایش می‌دهند (رولوفز، میسترز، هورن، باملیس و موریس، ۲۰۰۶). بر این اساس اضطراب دوران کودکی و نوجوانی با سبکهای مختلف والدینی مرتبط است (الیزابت و دیگران، ۲۰۰۶). اما در مجموع، بررسیهای بالینی، شواهد نیرومندی درباره ارتباط مثبت فزون حمایتگری یا فقدان محبت والدین با اضطراب کودکی ارائه نداده‌اند و فقط ارتباط بین سبک تربیتی و اضطراب را برجسته کرده‌اند (گاستل، لگرستی و فردیناند، ۲۰۰۹).

یکی از ویژگیهای افراد مضطرب، نگرانی آنها درباره اشتباههای خویشان است و حتی وقتی به گونه‌ای مناسب عمل می‌کنند، عملکرد خود را نامناسب ارزیابی می‌کنند (بانرجی، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد ویژگیهای بارز افراد مبتلا به اختلالهای اضطرابی با برخی از ویژگیهای افراد کمال‌گرا مانند داشتن معیارهای بالا همراه با ارزشیابیهای بحرانی^۵، قابل مقایسه است (فراست، مارتن، لاهارت و روزنبلیت، ۱۹۹۰)، نتایج پژوهش آکانر، راسموسن و هاوتون

دختر و ۱۸۱ پسر) با میانگین سنی ۲۲ و انحراف استاندارد ۲ سال از دانشگاه گیلان به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین پنج دانشکده انتخاب شدند.

پرسشنامه سبکهای والدگری بامریند^۳ (۱۹۷۳) با ۳۰ گویه، سه سبک سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه را اندازه‌گیری می‌کند. براساس نتایج بررسیهای بوری (۱۹۹۱)، ضرایب اعتبار^۴ برای سبکهای سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۸۶، ۰/۷۸ به دست آمد. نتایج روایی واگرا^۵ نشان دادند که شیوه استبدادی مادر با سهل‌گیری و اقتدار منطقی رابطه منفی معنادار و به ترتیب برابر با ۰/۳۸- و ۰/۴۸- دارند. این ضرایب برای سبکهای پدر به ترتیب برابر با ۰/۵۰- و ۰/۵۲- به دست آمد. ضرایب اعتبار برای شیوه سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ به دست آمد (شمس‌نیا، ۱۳۸۵).

در پژوهش حاضر ضرایب همسانی درونی پرسشنامه برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر ۰/۶۹ و ۰/۷۰ و ۰/۷۹ به دست آمد.

فهرست هراس اجتماعی^۶ (کانور، دیویدسون، چرچیل، شروود، فاو و وسلر، ۲۰۰۰) یک مقیاس خودسنجی ۱۷ گویه‌ای و دارای سه زیرمقیاس ترس، اجتناب و ناراحتی فیزیولوژیکی است. دامنه ضرایب اعتبار پرسشنامه با روش بازآزمایی در گروههای مبتلا به اختلال هراس اجتماعی بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ بود و دامنه ضرایب روایی همگرا^۷ برای کل مقیاس، بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۰ به دست آمده که بیانگر روایی همگرایی بالای این فهرست است (دیویدسون^۸ و دیگران، ۲۰۰۱ نقل از ملیانی، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر، ضرایب همسانی درونی برای فهرست هراس اجتماعی برابر با ۰/۸۷ و برای سه زیر-مقیاس ترس، اجتناب و ناراحتی فیزیولوژیکی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۷۲ و ۰/۷۶ به دست آمد.

مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی فراست^۹ (فراست و دیگران، ۱۹۹۰) براساس مفهوم چند بعدی کمال‌گرایی

(۲۰۱۰)، نیز امکان پیش‌بینی اضطراب نوجوانی و بزرگسالی را براساس عقاید کمال‌گرایانه^۱ نادرست همراه با مشکلات روان‌شناختی متعدد در کودکی و بزرگسالی فراهم کردند (کلارک و کوکر، ۲۰۰۹).

یکی از الگوهای کمال‌گرایی افراد مضطرب، کمال-گرایی چندبعدی^۲ است که توسط فراست مطرح شده است (فراست و دیگران، ۱۹۹۰). آنتونی، پوردون، هوتا و سوینسن (۱۹۹۸) نشان دادند که عقاید کمال‌گرایانه در تحول و تداوم اضطراب نقش با اهمیتی دارند. کمال‌گرایی یا سبک ارزیابی فرد، می‌تواند بر تحول و تداوم اضطرابی که در ترس از ارزشیابی دیگران نمایان می‌شود، مؤثر واقع شود (کاوامورا، هانت، فراست و دی بارتولو، ۲۰۰۱). تمایلات کمال‌گرایانه ممکن است پیامد محیط دوران کودکی باشند؛ محیطی که یکی از مؤلفه‌های مهم آن، سبک والدگری است (کاوامورا، فراست و هارماتز، ۲۰۰۲)، چنانچه برخی نظریه‌پردازان تحول کمال‌گرایی را محصول تعامل‌های کودکان با والدین خود در نظر گرفته‌اند (محمدی و جوکار، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه اختلال هراس اجتماعی چهارمین اختلال روان‌پزشکی رایج است که براساس ترس گسترده از اجتماع یا موقعیتهای کارآمدی مشخص می‌شود (ویکز، هیمبرگ و رودباگ، ۲۰۰۸) و میزان شیوع آن در بین جوانان و نوجوانان از ۵ تا ۱۶ درصد در جمعیت عمومی است و این افراد در خطر آسیبهای تحصیلی و استعمال مواد مخدر هستند (بیدل، ترنر، یانگ، آمرمن، سالی و کراسبی، ۲۰۰۷)، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا بین هراس اجتماعی با کمال‌گرایی و سبکهای والدگری والدین در نمونه‌های ایرانی رابطه وجود دارد و سهم ابعاد کمال‌گرایی و سبکهای والدگری در تبیین واریانس هراس اجتماعی چقدر است.

روش

براساس یک طرح همبستگی، ۳۹۶ دانشجو (۲۱۵)

1. perfectionistic
2. multidimensional perfectionism
3. Baumrind's Parenting Styles Questionnaire
4. reliability

5. discriminant validity
6. Social Phobia Inventory
7. convergent validity
8. Davidson, J. R. T.

9. Frost Multidimensional Perfectionism Scale

همین پژوهش، روایی هم‌گرای پرسشنامه کمال‌گرایی چند بُعدی فراست براساس رابطه با پرسشنامه کمال‌گرایی مثبت و منفی (تری-شورت^۷، اسلاد^۸ و دیوی^۹، ۱۹۹۵ نقل از بشارت، ۱۳۸۲) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از روایی مناسب پرسشنامه یاد شده بوده است. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ دربرگیرنده شاخصهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای ابعاد کمال‌گرایی، شیوه‌های والدگری و هراس اجتماعی است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که هراس اجتماعی با دو بعد نگرانی درباره اشتباهها ($r=0/32$) و شک درباره اعمال ($r=0/14$)، رابطه مثبت و با بعد انتظارهای والدینی ($r=-0/11$) رابطه منفی معنادار دارد. افزون بر این، سبک مستبدانه و مقتدرانه نیز با هراس اجتماعی به ترتیب رابطه مثبت ($r=0/18$) و منفی ($r=-0/42$) معنادار نشان دادند.

طراحی شده و شامل ۳۵ جمله و ۶ بعد: نگرانی درباره اشتباهها^۱ (CM)، شک درباره اعمال^۲ (D)، انتظارهای والدینی^۳ (PE)، انتقادگری والدینی^۴ (PC)، معیارهای شخصی^۵ (PS) و سازماندهی^۶ (O) است (استور، ۱۹۹۷). نسخه اصلی این پرسشنامه برای پژوهش حاضر ترجمه و پس از اصلاح و اعمال نظر استادان روان‌شناسی و زبان انگلیسی، در یک نمونه ۶۰ نفری از دانشجویان دانشگاه گیلان اجرا شد. نتایج نشان دادند ضریب همسانی درونی برای کل پرسشنامه، برابر با ۰/۸۶ و برای زیرمقیاسهای نگرانی درباره اشتباهها، شک درباره اعمال، انتظارهای والدینی، انتقادگری والدینی، معیارهای شخصی و سازماندهی به ترتیب برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۸، ۰/۴۷، ۰/۵۷ و ۰/۸۳ است. ضریب بازآزمایی با فاصله یک هفته نیز برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ و برای زیرمقیاسهای نگرانی درباره اشتباهها، شک درباره اعمال، انتظارهای والدینی، انتقادگری والدینی، معیارهای شخصی و سازماندهی به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۵۳، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ به دست آمد که نمایانگر اعتبار نسبتاً مناسب پرسشنامه مذکور است. همچنین در

جدول ۱.

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای کمال‌گرایی، سبکهای والدگری و هراس اجتماعی (n=۳۹۶)

متغیر	SD	M	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. نگرانی درباره اشتباهها	۲۴/۷۶	۶/۱۰												
۲. شک درباره اعمال	۱۰/۲۸	۳/۱۹	۰/۴۳**											
۳. انتظارهای والدینی	۱۵/۵۶	۳/۷۶	۰/۱۸**	۰/۳۰**										
۴. انتقادگری والدینی	۸/۸۰	۲/۷۹	۰/۳۹**	۰/۴۹**	۰/۲۵**									
۵. معیارهای شخصی	۲۴/۲۶	۴/۷۴	۰/۲۳**	۰/۱۴**	۰/۲۰**	۰/۱۳**								
۶. سازماندهی	۲۳/۳۰	۴/۴۴	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۵**	۰/۱۶**							
۷. سبک سهل‌گیرانه	۱۴/۹۲	۳/۱۴	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۱۶**	۰/۰۲	۰/۰۲						
۸. سبک مستبدانه	۲۹/۸۴	۴/۵	۰/۲۵**	۰/۲۰**	۰/۰۴	۰/۱۵**	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۰*					
۹. سبک مقتدرانه	۲۱/۲۱	۸/۳۲	۰/۱۷**	۰/۱۱*	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۱۲*	۰/۰۷	۰/۰۲				
۱۰. ترس	۷/۴۶	۳/۱۲	۰/۲۵**	۰/۱۵**	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۱۲*	۰/۰۱	۰/۲۰**	۰/۳۷**			
۱۱. اجتناب	۹/۰۷	۳/۴۴	۰/۱۳**	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۴۸**	۰/۳۴**		
۱۲. ناراحتی فیزیولوژیک	۵/۲۷	۲/۶۶	۰/۱۵**	۰/۱۲*	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۱۲*	۰/۲۷**	۰/۴۵**	۰/۲۷**	
۱۳. نمره کل هراس اجتماعی	۲۱/۸۰	۷/۱۹	۰/۲۳**	۰/۱۴**	۰/۱۱*	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۱۸**	۰/۴۲**	۰/۸۳**	۰/۷۹**	۰/۶۹**

** $P < 0/01$. * $P < 0/05$.

در تبیین واریانس هراس اجتماعی (جدول ۲) و زیر-

برای تعیین سهم ابعاد کمال‌گرایی و سبکهای والدگری

- concern over mistakes
- doubt about actions
- parental expectations

- parental criticism
- personal standards
- organization

- Terry-Short, L. A.
- Slade, P. B.
- Dewey, M. E.

مقیاسهای آن (جدول ۳) از تحلیل رگرسیون استفاده شد. با توجه به اینکه $R^2 = 0/24$ ، می توان گفت که نزدیک ۲۵ درصد از واریانس هراس اجتماعی توسط ترکیب خطی برخی از ابعاد کمال گرایی و سبکهای والدگری تبیین می شود. ضرایب رگرسیون نشان می دهند که ابعاد نگرانی درباره اشتباهها ($P < 0/05$, $\beta = 0/16$)، انتظارهای والدینی ($P < 0/05$, $\beta = -0/09$)، سبکهای مستبدانه ($P < 0/05$, $\beta = -0/12$)، سبکهای مقتدرانه ($P < 0/01$, $\beta = -0/38$) و واریانس هراس اجتماعی را در گروه نمونه تبیین می کنند. چنانکه در جدول ۳ دیده می شود سه متغیر شامل نگرانی درباره اشتباهها، سبکهای مستبدانه و مقتدرانه در حدود ۲۱ درصد واریانس ترس را تبیین می کنند. واریانس دو زیرمقیاس اجتناب و ناراحتی فیزیولوژیکی فقط توسط سبک مقتدرانه و به ترتیب در حدود ۱۴ و ۱۱ درصد تبیین می شود.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی هراس اجتماعی براساس ابعاد کمال گرایی و سبکهای والدگری

متغیر	R	R ^۲	SE	B	β
	۰/۴۹	۰/۲۴			
نگرانی درباره اشتباهها			۰/۰۶	۰/۱۹	۰/۱۶*
شک درباره اعمال			۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۰۳
انتظارهای والدینی			۰/۰۹	-۰/۱۸	-۰/۰۹
انتقادگری والدینی			۰/۱۴	-۰/۰۱	-۰/۰۰۵
معیارهای شخصی			۰/۰۷	-۰/۱۰	-۰/۰۷
سازماندهی			۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۱
سبک سهل گیرانه			۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۰۲
سبک مستبدانه			۰/۰۷	۰/۱۹	۰/۱۲**
سبک مقتدرانه			۰/۰۴	-۰/۳۳	-۰/۳۸**

* $P < 0/05$. ** $P < 0/01$.

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری برای پیش بینی زیرمقیاسهای هراس اجتماعی براساس ابعاد کمال گرایی و سبکهای والدگری

متغیر	R	R ^۲	SE	B	β
ترس	۰/۴۶	۰/۲۱۲			
نگرانی درباره اشتباهها			۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۱۷**
سک مستبدانه			۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۱۳**
سبک مقتدرانه			۰/۰۱	-۰/۱۲	-۰/۳۲**
اجتناب	۰/۳۹	۰/۱۴			
سبک مقتدرانه			۰/۰۲	-۰/۱۳	-۰/۳۱**
ناراحتی فیزیولوژیکی	۰/۳۴	۰/۱۱۳			
سبک مقتدرانه			۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۲۶**

توجه: در این جدول تنها متغیرهایی که ضریب آنها معنادار بود، نشان داده شده و سایر متغیرها حذف شده اند.

** $P < 0/01$.

و دیگران، ۲۰۰۷؛ الیزابت و دیگران، ۲۰۰۶؛ گالاگر و دیگران، ۲۰۰۸؛ آبلارد و پارکر، ۱۹۹۷؛ رولوفز و دیگران، ۲۰۰۶؛ گاستل و دیگران ۲۰۰۹؛ بامریند، ۱۹۹۱؛

بحث

نتایج پژوهش حاضر با پژوهشهای پیشین در مورد سبکهای والدگری و هراس اجتماعی همسو هستند (لیب

این افراد بیش از دیگران اشتباه نمی‌کنند، اما عملکرد خود را کمتر ارزیابی می‌کنند و این نوع برآورد کم و عدم همخوانی آن با اینکه نباید کار را به اشتباه انجام دهند، ترس از ارزیابی منفی دیگران و در نتیجه، هراس اجتماعی را در این افراد می‌افزاید (بانرجی، ۲۰۰۵؛ کاوامورا و دیگران، ۲۰۰۱؛ روسر، آیساکیدیز و پترز، ۲۰۰۳). بعد انتظارهای والدینی نیز می‌بین درکی است که کودکان از انتظارهای والدینی دارند. در این مورد می‌توان گفت که شاید وقتی کودکان در می‌یابند که انتظارهای والدینشان از آنها بالاست، احساس می‌کنند که توانایی دارند و گاهی این نوع احساس منجر به افزایش حرمت خود در کودکان شده و موجب کاهش هراس اجتماعی می‌شود (بانرجی، ۲۰۰۵).

اما در مورد سهم بعد نگرانی درباره اشتباهها می‌توان گفت، افرادی که در این بعد نمره بالاتری می‌گیرند همواره از ارزیابی منفی دیگران می‌ترسند، اما این ترس آنها در حدی نیست که موجب کناره‌گیری از جامعه و ناراحتی فیزیولوژیکی شود (بانرجی، ۲۰۰۵).

از بین ابعاد کمال‌گرایی، تنها ابعاد نگرانی درباره اشتباهها توان پیش‌بینی هراس اجتماعی را داشت. براساس نتایج پژوهش حاضر، سبکهای تربیتی سهم بیشتری در تبیین هراس اجتماعی دارند. از بین سبکهای والدگری، سبک مقتدرانه هم در هراس اجتماعی و هم در تمامی زیرمقیاسهای آن، قادر به پیش‌بینی است. پس در نهایت بیشترین نقش را می‌توان به سبک مقتدرانه داد. شاید بتوان گفت، ابعاد کمال‌گرایی که بر هراس اجتماعی اثرگذارند، خود تحت تأثیر محیط خانوادگی و سبکهای والدگری شکل گرفته‌اند. پس اگر والدین به سبک مقتدرانه رفتار کنند، در حین اینکه به کودک خود آزادی می‌دهند، مهار و نظارت مناسب و بدون انتقاد تند را نیز اعمال می‌کنند و از ایجاد و یا ادامه هراس اجتماعی در فرزندان جلوگیری خواهند کرد.

با توجه به اینکه هیچ یک از پژوهشهای پیشین مربوط به جامعه ایرانی نبود، پژوهش حاضر، عوامل پیش‌بینی-کننده هراس اجتماعی را در جامعه ما آشکار کرد. این نتایج نشان دادند که بهترین سبک تربیتی، سبک مقتدرانه

دسجاردینز و دیگران، ۲۰۰۸). در سبک مستبدانه، مهار بیش از حد، طرد و ایجاد مانع در راه تحول استقلال عمل فرزندان دیده می‌شود که براساس نتایج به دست آمده پیش‌بینی‌کننده هراس اجتماعی فرزندان است (رولوفر و دیگران، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه در سبک مستبدانه، تحول استقلال عمل فرزندان محدود می‌شود و برای مهار رفتار آنها به تنبیه متوسل می‌شوند، در نتیجه همیشه این کودکان، افکار منفی را در ذهن پرورش می‌دهند و از تجربه و دستکاری محیط ترس دارند. اما اگر والدین در تربیت فرزندان به سبک مقتدرانه عمل کنند، کودک می‌آموزد که بدون ترس از پیامد عمل، دست به آن بزند، از این رو در موقعیتهای اجتماعی دچار هراس اجتماعی و ترس نخواهد شد (دسجاردینز و دیگران، ۲۰۰۸؛ بانرجی، ۲۰۰۵). بنابراین والدین مقتدر به رغم آنکه مهارکننده‌اند، به نیازهای عاطفی و روانی فرزند پاسخ می‌دهند (بامریند، ۱۹۹۱). سبک مستبدانه، در تبیین ترس نقش دارد اما در تبیین اجتناب، نقشی ایفا نمی‌کند. از آنجا که این سبک والدگری، برای مهار رفتار فرزندان از تنبیه استفاده می‌کند، می‌تواند فرزندان را دچار ترس از موقعیت اجتماعی کند ولی معمولاً این ترس به اندازه‌ای نیست که فرد را دچار اجتناب از موقعیت و ناراحتی فیزیولوژیکی ناشی از هراس اجتماعی کند (بامریند، ۱۹۹۱). چنانچه پیشتر گفته شد، در این پژوهش، ابعاد نگرانی درباره اشتباهها، و انتظارهای والدینی، قدرت پیش‌بینی هراس اجتماعی را دارند. نتایج مرتبط با بعد نگرانی درباره اشتباهها همسو با یافته‌های پژوهشی است (بانرجی، ۲۰۰۵؛ کاوامورا و دیگران، ۲۰۰۱؛ روسر و آیساکیدیز و پترز، ۲۰۰۳). افزون بر این، در پژوهشهای مذکور، بعد شک درباره اعمال نیز با هراس اجتماعی در ارتباط است که در پژوهش حاضر، این بعد قدرت پیش‌بینی هراس اجتماعی را ندارد. همچنین بعد انتقادگری والدینی و بعد انتظارهای والدینی نیز در پژوهش بانرجی (۲۰۰۵) توان پیش‌بینی هراس اجتماعی را دارند، اما در پژوهش حاضر، بعد انتقادگری والدینی پیش‌بینی‌کننده مناسبی نبود. نگرانی درباره اشتباهها به معنای ترس از انجام اشتباه در حضور دیگران است که خصیصه‌ای فردی با هراس اجتماعی است.

style related to children's healthy eating and physical activity in Latino families. *Health Education Research*, 21, 862-871.

Bandelow, B., Torrente, A., Wedekind, D., Brooks, A., Hajak, G., & Ruther, E. (2004). Early traumatic life events, parental rearing style, family history of mental disorder, and birth risk factors in patients with social disorder. *European Archives of Psychiatry and Clinical Neuroscience*, 254, 397-405.

Banerjee, P. (2005). *Exploring the impact of parental overprotection on adult social anxiety via perfectionism: A mediation model.* Thesis of master of arts, Miami University.

Baumrind, D. (1973). The development of instrumental competence through socialization. In A. Pick (Eds.), *Minnesota Symposium on Child Psychology* (vol. 7, pp. 3-46). Minneapolis: University of Minnesota Press.

Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. In P. E. Cowan & E. M. Hetherington (Eds), *Family transitions: Advances in family research* (vol. 2, pp. 111-163), Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Beidel, D., Turner, S., Young, B., Ammerman, R., Sallee, F., & Crosby, L. (2007). Psychopathology of adolescent social phobia. *Journal of Psychopathology Behavior Assessment*, 29, 47-54.

Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57 (1), 110-119.

Clark, S., & Coker, S. (2009). Perfectionism, self-criticism and maternal criticism: A study of mothers and their children. *Personality and Individual Differences*, 47, 321-325.

Connor, K. M., Davidson, J. R. T., Churchill, L. E., Sherwood, A., Foa, E., & Wesler, R. H. (2000). Psychometric properties of the Social Phobia In-

است و والدین با تربیت فرزندان خود به این شیوه، تا حدی می‌توانند از هراس اجتماعی فرزندانشان جلوگیری نمایند یا آن را تعدیل کنند.

محدودبودن جامعه آماری این پژوهش به دانشجویان دانشگاه گیلان یکی از محدودیتهای عمده آن محسوب می‌شود. از این رو در تعمیم نتایج آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد. از دیگر سو، تفاوت‌های فرهنگی و قومی در این پژوهش مورد توجه قرار نگرفته است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، از جوامع آماری با سنین، تحصیلات و اقوام مختلف استفاده شود. افزون بر این از ابزارهای متفاوت و فنون متفاوتی سود جسته شود. همچنین توصیه می‌شود که پژوهش‌های بعدی بر گروه بالینی خاص متمرکز شوند و متغیرها را در آنها ارزیابی کنند.

منابع

بشارت، م. (۱۳۸۲). قابلیت اعتبار و پایایی مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی. *مجله علوم روانشناختی*، ۸، ۳۵۹-۳۴۶.

شمس‌نیا، ا. (۱۳۸۵). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سطح نگرانی نوجوانان شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان.

محمدی، ز. و جوکار، ب. (۱۳۸۸). کمال‌گرایی، مشکلات هیجانی و رضایت از زندگی در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲۳، ۲۶۹-۲۷۶.

ملیانی، م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر درمان شناختی-رفتاری گروهی مبتنی بر الگوی هیمبرگ بر کاهش نشانه‌های اضطراب اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.

Ablard, K., & Parker, W. (1997). Parents achievement goals and perfectionism in their academically talented children. *Journal of Youth Adolescence*, 26, 651-667.

Antony, M., Purdon, Ch., Huta, V., & Swinson, R. (1998). Dimensions of perfectionism across the anxiety disorders. *Behavior Research and Therapy*, 36, 1143-1154.

Arredondo, E., Elder, J., Ayala, G., Campbell, N., Baquero, B., & Duerksen, S. (2006). Is parenting

General Psychiatry, 57, 859-866.

- McLeod, B., Wood, J., & Weisz, J. (2007).** Examining the association between parenting and childhood anxiety: A meta-analysis. *Clinical Psychology Review*, 27, 155-172.
- O'Connor, R. C., Rasmussen, S., & Hawton, K. (2010).** Predicting depression, anxiety and self-harm in adolescents: The role of perfectionism and acute life stress. *Behaviour Research and Therapy*, 48, 52-59.
- Pincus, D., Eyberg, Sh., & Choat, M. (2005).** Adapting parent-child interaction therapy for young children with separation anxiety disorder. *Education and Treatment of Children*, 28, 163-181.
- Rai, R. N., Kumar, P., & Kumar, K. (2009).** Perceived parental rearing style and personality among Khasi adolescents. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 35, 57-60.
- Roelofs, J., Meesters, C., Huurne, M., Bamelis, L., & Muris, P. (2006).** On the links between attachment style, parental rearing behaviors, and internalizing and externalizing problems in non-clinical children. *Journal of Child and Family Studies*, 15 (3), 331-344.
- Rosser, S., Issakidis, C., & Peters, L. (2003).** Perfectionism and social phobia: Relationship between the constructs and impact on cognitive behavior therapy. *Cognitive Therapy and Research*, 27(2), 143-151.
- Stober, J. (1997).** The Frost multidimensional perfectionism scale revisited: More perfect with four (instead of six) dimensions. *Personality and Individual Differences*, 24 (4), 481-491.
- Weeks, J., Heimberg, R., & Rodebaugh, T. (2008).** The fear of positive evaluation scale: Assessing a proposed cognitive component of social anxiety. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 44-55.
- ventory (SPIN). *British Journal of Psychiatry*, 176, 379-386.
- Desjardins, J., Zelenski, J., & Coplan, R. (2008).** An investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 44, 587-597.
- Elizabeth, J., King, N., Ollendick, T., Gullone, E., Tonge, B., Watson, S., & Macdermott, S. (2006).** Social anxiety disorder in children and youth: A research update on etiological factors. *Counseling Psychology Quarterly*, 19 (2), 151-163.
- Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1990).** The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research*, 14, 449-468.
- Gallagher, B., & Cartwright-Hatton, S. (2008).** The relationship between parenting factors and trait anxiety: Mediating role of cognitive errors and metacognition. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 722-733.
- Gastel, W., Legerstee, J. S., & Ferdinand, R. F. (2009).** The role of perceived parenting in familial aggregation of anxiety disorders in children. *Journal of Anxiety Disorders*, 23, 46-53.
- Ginsburg, G., & Schlossberg, M. (2002).** Family-based treatment of childhood anxiety disorders. *International Review of Psychiatry*, 14, 143-154.
- Kawamura, K., Frost, R., & Harmatz, M. (2002).** The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32, 317-327.
- Kawamura, K., Hunt, S., Frost, R., & DiBartolo, P. (2001).** Perfectionism, anxiety and depression: Are the relationship independent. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 291-301.
- Lieb, R., Wittchen, H., Hofler, M., Stat, D., Fuesch, M., Stein, M., & Merikangas, K. (2007).** Parental psychopathology, parenting styles and the risk of social phobia in offspring. *Archives of*